

بلقیس سلیمانی در نشست نقد و بررسی رمان «آن مادران این دختران» مطرح کرد

# ما نسل کله خرابی بودیم!



**گروه فرهنگ و هنر - شامگاه شب** گذشته کتابفروشی طاقچه نشست را برای دیدار با بلقیس سلیمانی به مناسبت چاپ جدیدترین اثر او، «آن مادران این دختران» با حضور خود نویسنده ترتیب داد و علی ملازاده به عنوان کارشناس میهمان، در طی نشست به بررسی این رمان در حضور جمعی از اهالی ادب و فرهنگ و علاقه‌مندان پرداخت. بلقیس سلیمانی در این نشست مهم‌ترین مسأله مطرح شده در تازه‌ترین اثر خود را شکاف عمیق بین دو نسل دبیروز و امروز عنوان کرد و در ضمن آن، از دغدغه‌های شخصی‌اش که نهایتاً منجر به خلق این رمان شده بود سخن گفت. رمان آن مادران این دختران به تازگی توسط نشر قفتوس در ۲۲۲ صفحه به چاپ رسیده است. مشروح آن چه در نشست گذشت را بخوانید:

### دهه شصت بر من تاثیر زیادی گذاشت

بلقیس سلیمانی در این نشست با اعلام این که هرچه تا کنون قلم زده نه تماماً ولی به صورتی قابل‌توجه، برآمده از تجربیات شخصی نسل خود او و اقلیم مادری او بوده است، رمان تازه‌ی خود را نیز برآمده از مسأله‌ی دانست که همواره با او بوده‌اند. او در این خصوص توضیح داد: «دهه شصت همواره در رمان‌های من حضور داشته و به این دلیل برای من اهمیت دارد که خود من فرزند آن دهه هستم و نوجوانی و جوانی‌ام در آن زمان، که دوران بسیار پر تلاطم و از جهاتی سیاه بود، گذشت؛ که تأثیرات فوق‌العاده سنگینی را بر روح و روان من گذاشت. به طوری که نوشتن را برای من تبدیل به یک روش روان‌درمانی کرد و به وسیله‌ی آن بود که کمی احساس سبک بودن به من دست می‌داد. برای همین مدام از دهه شصت می‌نویسم و هر بار از یک زاویه به آن نگاه می‌کنم.»

### ما نسل انقلاب بودیم!

نویسنده‌ی «مارون» ادامه داد: «اما در این رمان قرار است که یک مادر و دختر از دو نسل مختلف، در نهایت به هم نزدیک شوند و به یک وحدت منسجم برسند اما چنین چیزی وجود ندارد تا جایی که دختر با مادر خود درگیر می‌شود. این‌ها همه برای خود من برای من اتفاق می‌افتد. و به هرحال این این یک مسأله دائمی است و از زمان حضرت آدم وجود داشته و همیشه خود را در تاریخ نشان داده است اما در لحظه‌هایی که تاریخ این شکاف‌ها بسیار عمیق‌تر از همیشه می‌شوند. خود من هم با مادرم این فاصله را داشتیم اما این شکاف در حال حاضر و در این تاریخی که به‌سر می‌بریم فوق‌العاده وحشتناک است. شاید هم دارم این را بزرگ‌نمایی می‌کنم اما به هرحال رمان یک سلیمانی همچنین گفت: «در هر صورت یک بخشی از این ماجرا هم طبیعی است و همواره قرار بوده بچه‌های ما یک گام از ما جلوتر باشند که اگر نباشند وای به حال ما و وای به حال جامعه‌ای که نسل‌هایش همه شبیه ما باشند. اما علت این فاصله شباهی است که روزگار ما در همه ی وجوه خود دارد. عصر، عصر شتاب است که در زندگی و عرصه‌های خصوصی ما هم وارد شده است. شباهی که از بیرون دارد تزیین می‌شود و از درون هم داریم آن را تشدید می‌کنیم. این را هم بگوییم که اگر ما فاصله‌مان را با نسل

در کارهای من وجود نداشته باشد و زمانی هم که می‌آید، یک فرهنگی از اصطلاحات کرمانی، و فضای طبیعی از کرمان را هم با خود می‌آورد. تا به حال نتوانسته‌ام این‌ها را در کرمان ترک بگویم و فکر هم نمی‌کنم هرگز از زندگی من بیرون بروند.» نویسنده «سگ‌سالی» در ادامه تصریح کرد: «اما من همواره سعی کردم که این مولفه در رمان‌هایم از اقلیم فراتر برود و ایران را نمایندگی کند؛ که نهایتاً منجر به نمود دوگانگی شخصیت‌ها می‌شود. دوگانگی آدم‌هایی که از دبیروز به امروز، از بوران به تهران و از دهه ۶۰ به دهه ۹۰ می‌آیند. ورود این آدم‌ها خود باعث بروز مشکلاتی می‌شود. مسائل و درگیرهای آن‌ها با فرزندان‌شان، دوستان‌شان، نهادهای اجتماعی، قدرت (قدرت‌های سیاسی و قدرت‌های ریز و درشت دیگر) تقریباً همیشه مسأله و دغدغه‌ی من بوده است. می‌توانم بگویم شاید این یکی از معدود کارهای من است که سیاست در آن خیلی پررنگ نیست اما نسل من چون از سیاست سرشته است گاهی سر و کله‌اش در کار پیدا می‌شود.»

### ادبیات کرمان می‌تواند تبدیل به مکتب شود

سلیمانی همچنین در این نشست با تأکید بر مستعد بودن ادبیات اکنون کرمان، آن را لایق جایگاهی در کشور دانست که این ظرفیت را دارد که تبدیل به یک سبک و حتی مکتب ویژه‌ی خود در ادبیات ایران شود. وی در این باره تصریح کرد: «در این چندساله شاهد رشد عجیب ادبیات‌مان در کرمان بودیم. بگذارید همین‌جا از نویسندگانی که همه می‌شناسیم نوشتنم چون خودمان را می‌شناختم.»

از تاریخ که در سکون است شکاف‌های نسلی آن کمتر است. در شرایط عادی این همه شکاف‌ها عمیق نمی‌شود گرچه معتقدم اکنون هم شرایط عادی نیست و هنوز هم در شرایط بسیار بحرانی بسیار می‌بریم. طبیعتاً در آن‌چنان شرایطی که گفتیم، شما تقریباً جوانی نمی‌کنید! بیشترین خیانت را زنان و مردان نسل ما دارند به یکدیگر می‌کنند برای اینکه در جوانی، جوانی نکرده‌اند. معذرت می‌خواهم که این را می‌گویم اما دارم می‌بینیم که آدمی ۵۰ ساله که دخترش ۳۰ سال دارد رفته و دوست‌دختر اختیار کرده است. می‌خواهم این را بگویم که ما اصولاً سالم، به‌موقع و دقیق زندگی نکرديم. برای همین دوست دارم یک کسی بیاید و داستان‌ها را بنویسد. من به آن امیدوارم. ثریا را من نوشتم چون خودمان را می‌شناختم.»

### نسل امروز از سلامت نفسانی بیشتری برخوردار است

این رمان‌نویس اضافه کرد: «در واقع به نظر من بچه‌های‌مان از ما عاقل‌ترند و عادی‌تر، و از سلامت نفسانی بیشتری برخوردارند. علت آن هم این است که ما در گذشته‌های تاریخ

تاریخ نشان داده است اما در لحظه‌هایی که تاریخ این شکاف‌ها بسیار عمیق‌تر از همیشه می‌شوند. خود من هم با مادرم این فاصله را داشتیم اما این شکاف در حال حاضر و در این تاریخی که به‌سر می‌بریم فوق‌العاده وحشتناک است. شاید هم دارم این را بزرگ‌نمایی می‌کنم اما به هرحال رمان یک سلیمانی همچنین گفت: «در هر صورت یک بخشی از این ماجرا هم طبیعی است و همواره قرار بوده بچه‌های ما یک گام از ما جلوتر باشند که اگر نباشند وای به حال ما و وای به حال جامعه‌ای که نسل‌هایش همه شبیه ما باشند. اما علت این فاصله شباهی است که روزگار ما در همه ی وجوه خود دارد. عصر، عصر شتاب است که در زندگی و عرصه‌های خصوصی ما هم وارد شده است. شباهی که از بیرون دارد تزیین می‌شود و از درون هم داریم آن را تشدید می‌کنیم. این را هم بگوییم که اگر ما فاصله‌مان را با نسل

به دنیا آمدیم و در مسیر تندبادهای تاریخ قرار گرفتیم. انقلاب، جنگ، ایدئولوژی‌های چپ و... همه‌ی این‌ها یک‌مرتبه نسل ما را مورد هجوم قرار دادند. ما در تعطیلات تاریخ نبودیم. در این ۴۰ ساله انکار روی آتشفشان بودیم. معتقدم در یک دوره‌هایی

### نگاهی به تئاتر «منم میرزا رضا» به نویسنده‌گی و کارگردانی: بدالله آقاباسی

## شاعر از تاریخ‌نویس بزرگ‌تر است

هر دو جواب‌های کلی می‌دهد. می‌خواهد هر دو را از سر باز کند و این کار را می‌کند. اما کم کم در جدال با سپیدپوش به پرسش از خودش می‌رسد و تفاوت در همین جاست. اگر قرار بود که رابطه سپیدپوش و میرزا پرسش‌های سپیدپوش از میرزا به مانند پرسش‌ها و رابطه بازجو با میرزا باشد، چه نیاز به حضور سپیدپوش؟ به هر روی، در نگاه اول به نظر می‌رسد پرسش اصلی میرزا از خودش این باشد: «چرا شاه را کشتیم؟» او بازها این سوال را از خود می‌پرسد و به این سوال پاسخ می‌دهد. پاسخ‌هایش کمی شبیه به پاسخ‌هایی است که در رابطه با این سوال به بازجو می‌دهد. اما همچنان که نمایش به پیش می‌رود رابطه میرزا و رضا و سپیدپوش تغییر می‌کند. این تغییر باعث می‌شود که میرزا در برابر پرسش اصلی قرار بگیرد و به این سوال پاسخ می‌دهد. اصلی این نیست که «چرا شاه را کشتیم؟»، بلکه پرسش بنیادین میرزا رضا از خود و هم چنین پرسش بنیادین اثر می‌تواند این باشد که: «آیا کاری که کردم (کشتن شاه) ارزشمند بود؟»

### شهر بوران از رمان‌های من جداشدنی نیست

وی همچنین در بخش دیگری از سخنان خود در اشاره به یکی از تکرارهایی تعدمی خود در آثارش گفت: «همواره دو مقوله‌ی زمانی و مکانی برای من اهمیت زیادی داشته‌اند به طوری که تمام کتاب‌های من قطعات یازلی هستند که در جهت تکمیل و ساخته شدن جهان آن دو در کنار هم چیده می‌شوند. برای همین است که گاهی بعضی شخصیت‌ها در بعضی از رمان‌های من تکرار می‌شوند. این دو مقوله، به لحاظ زمانی همان‌طور که گفتیم دهه شصت را در بر می‌گیرد و دیگری به لحاظ مکانی جایی به نام شهر بوران است.»

### شهر بوران از رمان‌های من جداشدنی نیست

او ادامه داد: «شهر بوران برایم اهمیت بسیار دارد به جهت اینکه استعاره‌ای است از جهان سنت و دیگر اینکه به نظر من این شهر از نظر اقلیمی، مولفه‌های منطقه خود من یعنی رابر را دارد. محال است بوران

داده است. بنیادین‌ترین پرسش میرزا رضای نمایش «منم میرزا رضا» چیست؟ آن پرسشی که او را در این موقعیت قرار داده و بنیان نمایش بر اساس آن استوار است؟ آن پرسشی که اگر نباشد و یا تغییر کند و یا تغییرش دهیم، با میرزا رضایی دیگر، در موقعیتی دیگر و در واقع با نمایشنامه‌ای دیگر مواجه خواهیم شد؟ برای رسیدن به این پاسخ یعنی یافتن اصلی‌ترین پرسش میرزا رضا باید یک بار دیگر نمایشنامه را مرور کنیم. در یک تعریف سراسرت - بدون رعایت کردن فرم نمایشنامه - می‌توان نمایشنامه منم میرزا رضا را این گونه تعریف کرد: میرزا رضای شال فروش کرمانی، شاه را کشته است. او را دستگیر کرده‌اند. شب قبل از اجرای حکم مرگش، او را «بازجویی» می‌کنند. در این جا میرزا رضای موزی که اتفاق می‌افتد، یعنی تمرین تعزیه (مضحکه!) شاه شهید کاری ندارم، چون به این بحث ما ربطی ندارد. در «بازجویی» میرزا رضا مدام مورد پرسش قرار می‌گیرد. چرا شاه را کشتی؟ چطور او کشتی؟ همدست چه کسی بود؟ از طرف چه کسانی بودی؟ کی و چرا به استانبول رفتی؟ و... این‌ها پرسش‌های بازجوی است. میرزا رضا.

### یوسفزاده در نشست معرفی کتاب «اردوگاه اطفال»:

## دفاع مقدس است؛ نه جنگ



**گروه فرهنگ و هنر -** نشست معرفی کتاب «اردوگاه اطفال» با حضور مرتضی سرهنگی و احمد یوسفزاده نویسنده کتاب در سیرجان برگزار شد. به گزارش پایگاه خبری سوره مهر، سلسله نشست‌های گفتگو با کتاب‌کاری از کلون هنر موسسه فرهنگی معراج اندیشه گل‌گهر در پنجمین جشنواره فرهنگی گل‌گهر است که در روز پایانی کار خود میزبان احمد یوسفزاده نویسنده کتاب «اردوگاه اطفال» و مرتضی سرهنگی مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری بود. جدیدترین اثر یوسفزاده تحت عنوان «اردوگاه اطفال» روایت ۲ سال از زمان اسارت او در زندان‌های رژیم بعثی است که به رشته‌ی تحریر در آمده است. وی درباره‌ی این اثر می‌گوید: در زمان اسارت تمامی اسرای زیر ۲۰ سال را در اردوگاهی نگهداری می‌کردند که به آن «اردوگاه اطفال» می‌گفتند و اتفاقات عجیبی در این اردوگاه رخ می‌داد که تصمیم گرفتم آن‌ها را روایت کنم. او اضافه می‌کند: گاهی اوقات مشکلات ما در اردوگاه اطفال خیلی بیشتر از مشکلاتی می‌شد که در آن ۲۳ نفر شرح داده‌ام. بچه‌های نوجوان همیشه باید مقابل تبلیغات دشمنان می‌ایستادند و این ایستادگی هزینه‌های زیادی برای آن‌ها داشت. در واقع سنگین‌ترین بار اسارت روی دوش ۱۶ ساله‌های اردوگاه بود. یوسفزاده کتاب اردوگاه اطفال را شرح اتفاقاتی عنوان می‌کند که برای نوجوان‌های ۱۶ تا ۲۰ ساله در یک بازه زمانی ۲ ساله اتفاق افتاده که نویسنده شاهد عینی همه‌ی آن‌ها بوده است. مرتضی سرهنگی میهمان ویژه نشست گفتگو با کتاب بود. وی درباره‌ی احمد یوسفزاده گفت: این رزمنده‌ی دلاور و نویسنده‌ی توانا شاید تنها اسیری ایرانی است که از زمان اسارت تا کنون ۴ کتاب نوشته و این پدیده‌ی نادری است.

### ادبیات کرمان می‌تواند تبدیل به مکتب شود

سرهنگی ادبیات اسارت یا ادبیات اردوگاهی یا ادبیات بازداشتگاهی را یک ادبیات شناخته شده در دنیا دانست و افزود: شاید آسان‌ترین گونه ادبیات جنگ، همین ادبیات باشد. مردم می‌خوانند بدانند کسی مثل خودشان در این شرایط سخت چطور در اردوگاه‌ها روزگار می‌گذرانده و این هنر نویسنده است که شرایط آن زمان را به صورت عینی برای مخاطب به تصویر بکشد. او اضافه کرد: اسارت سخت است، آن زمان شرایط را طوری طراحی می‌کردند که اسارت فقط رنج و عذاب باشد برای اسیر، اما در ایران این اتفاق برای اسرای عراقی نیفتاد و آن‌ها حتی حدود ۶۵ کتاب هم در ایران نوشتند و در محتوای همه‌ی آن‌ها یک عذرخواهی مشهود بود با این مضمون که ببخشید ما آمدیم کشور شما را غارت کردیم و رقتیم. نمی‌خواهم بگویم به عراقی‌ها در ایران خوش گذشت، ولی ما برای عراقی‌ها اسارت را سخت نکرديم. سرهنگی کتاب‌های با محتوای زمان جنگ و دوران اسارت را بسیار مهم و تاثیرگذار عنوان کرد و گفت: این کتاب‌ها قیمت تمام شده جنگ را به ما نشان می‌دهند که البته هنوز از قیمت برای ما مشخص نشده است و این وظیفه‌ی نظام رسانه‌ای ماست که باید با بیان نامالیقات جنگ این قیمت را مشخص کند. خوب است این گونه کتاب‌ها دفاعی با روحیه‌ی شهادت طلبی دریاوند چه بر اسرای ما در زمان اسارت گذشته است. او ذات جنگ‌های دفاعی را مردمی عنوان کرد و گفت: مردم از چیزی که دوست دارند دفاع می‌کنند. در جنگ روس‌ها در برابر آلمان‌ها که ۲۵ میلیون روسی قربانی شدند همه مردم عادی بودند. بنابراین جنگ‌های دفاعی با روحیه‌ی شهادت طلبی و با حضور داوطلبانه‌ی مردم عادی انجام می‌شود که در دوران دفاع مقدس در ایران نیز شاهد این حرکت عظیم مردمی بودیم. در ادامه، یوسفزاده درباره‌ی حال و هوای حضور یک نوجوان ۱۶ ساله در جنگ گفت: فضای جنگ یک فضای خاص است. الان نمی‌توان تصور کرد چطور یک نوجوان ۱۶ ساله حاضر می‌شود به جبهه برود ولی اگر کسی در آن فضای خاص قرار بگیرد حس جنگ‌جویی در انسان بیدار می‌شود و هر کسی دوست دارد برود از کشورش دفاع کند. توفیقی بود که ما برویم و از کشورمان دفاع کنیم و امروز سربلندیم که بر خلاف همه‌ی جنگ‌ها که بخشی از ایران از دست رفت در جنگ ۸ ساله تحمیلی حتی یک وجب از خاک ما به دست دشمن نیفتاد. یوسفزاده انگیزه‌ی دینی و حس وطن دوستی را از عواملی دانست که او و هم‌زمانش را به سمت جنگ و دفاع از میهن کشانده و افزود: این خود جنگ نیست که مقدس است، بلکه دفاع است که مقدس است.

### آکهی فقدان سند مالکیت:

اسداله / نودری باغبانی فرزند شهباز شماره شناسنامه ۴۵ تاریخ تولد ۱۳۳۷/۰۴/۰۳ صادره از کرمان دارای شماره ملی ۶۹۹۹۹۸۸۶۵ مالک ششدانگ پلاک ۱۱۵۳۳ فرعی ۱۷۸۳ اصلی بخش ۳ کرمان موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۶۲۸۰۴۸ سری ب سال ۹۱ که در صفحه ۲۰۷ دفتر املاک جلد ۳۲۹۹ ذیل شماره ۶۱۷۳۳ صادر و تسلیم گردیده ضمن تسلیم دو برگ استشهاد محلی تصدیق امضا شده مدعی است سند مالکیت پلاک مزبور به علت مفقود و درخواست سند مالکیت الئینی نموده لذا بااستناد اصلاحت تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت در تاریخ متدرج در ذیل آکهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک فوق‌الذکر با وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد طرف مدت ده روز پس از انتشار آکهی به اداره ثبت شهرستان کرمان مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نمایند در غیر این صورت پس از مدت مذکور نسبت به صدور سند مالکیت طبق اقدام خواهد شد. محدودیت دفتر املاک: رهنی شماره ۱۷۳۰۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۲۴ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۶۲ شهر کرمان استان کرمان که بنفع بانک قرض‌الحسنه رسالت به مبلغ ۶۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مدت ۶ ماه ثبت شده / مزاد دارد رهنی شماره ۱۳۹۵/۰۷/۲۴ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۶۲ شهر کرمان استان کرمان که بنفع بانک قرض‌الحسنه رسالت به مبلغ ۶۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مدت ۶ ماه ثبت شده. تاریخ انتشار: ۹۷/۵/۶

رونوشت: ستاد اجرایی فرمان امام محمود مهدی‌زاده - رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه دو کرمان از طرف امید صاعد



سکینه عرب‌نژاد